

تحلیل  
اندیشکده

عکس: CNN

# شکست توافق‌های ابراهیم

## چرا آشتی با ایران نسبت به عادی‌سازی روابط با اسرائیل برای کشورهای عربی گزینه مفیدتری بود؟

کشورهای حاشیه خلیج فارس برای نزدیکی به اسرائیل، احیای تعهدات امنیتی ایالات متحده آمریکا بود.

علاوه بر اینکه دولت ترامپ واسطه انعقاد این توافق‌ها بود، آمریکا از چند وجه دیگر هم در این معادله نقش مرکزی داشت. آمریکا در هر توافق امتیازهای ملموسی ارائه کرد؛ برای مثال آمریکا وعده داد که تجهیزات نظامی پیشرفته را در اختیار امارات متحده عربی قرار دهد، ادعای ارضی مراکش را بر صحرای غربی به رسمیت بشناسد و سودان را از فهرست دولت‌های حامی تروریسم خارج کند. (سودان بعد از آنکه اواخر سال ۲۰۲۰ برای عادی‌سازی روابط با اسرائیل اظهار تمایل کرد، کم‌کم در این مسیر متزلزل شد.) علاوه بر این در مورد مذاکرات عربستان سعودی هم برای پیوستن به کشورهای عربی که روابط خود را عادی‌سازی کرده‌اند، گزارش شده است که محمد بن سلمان کاملاً بر آنچه آمریکا می‌توانست در اختیار عربستان سعودی قرار دهد، تمرکز کرده بود. برای مثال ریاض خواسته بود تا آمریکا تعهدات خود به معماری امنیتی منطقه را رعایت کند، به برنامه هسته‌ای غیرنظامی عربستان کمک کند و محدودیت‌های کمتری برای فروش سلاح‌های آمریکایی به عربستان بگذارد. در نتیجه می‌توان گفت که امتیاز گرفتن از ایالات متحده آمریکا یکی از اصلی‌ترین عوامل رویکرد طرف‌های عربی بود که باعث می‌شد در این مقایسه، اسرائیل طرف متغیر به نظر برسد.

در این چارچوب طرف‌های درگیر در این مذاکرات چشم‌انداز یک ائتلاف امنیتی متحد علیه ایران را با محوریت آمریکا در نظر داشتند. اندکی پس از امضای توافق‌های ابراهیم، وزارت دفاع آمریکا برنامه سازماندهی مجدد فرماندهی منطقه مرکزی ارتش آمریکا (سنتکام) را مطرح کرد که مسئولیت نظارت بر عملیات در خاورمیانه را برعهده دارد. براساس برنامه جدید اسرائیل با جدا شدن از فرماندهی منطقه اروپا به فرماندهی منطقه مرکزی یا سنتکام منتقل می‌شد. مدت‌ها بود که اسرائیل و مدافعانش از چنین ایده‌ای حمایت می‌کردند و معتقد بودند چنین اقدامی باعث می‌شود که هماهنگی میان ارتش اسرائیل و دولت‌های عربی که به توافق‌های ابراهیم می‌پیوندند، مانند عربستان سعودی و قطر بیشتر شود. واقعیت جدید عادی‌سازی همچنین به ایده‌های قدیمی‌تر مربوط به ایجاد ائتلاف‌های نظامی منطقه‌ای اضافه می‌شد که قرار بود در مقابل قدرت ایران ایستادگی کنند. در گذشته ایده‌هایی مانند ناتوی عربی مطرح شده بود که بعد از این توافق‌ها به ناتوی خاورمیانه تغییر نام داد با ایده‌های جدی‌تر مانند ائتلاف استراتژیک خاورمیانه (MESA) و ائتلاف پدافند هوایی خاورمیانه (MEAD).

### نقاط ضعف و محدودیت

بعد از آنکه دونالد ترامپ ژانویه ۲۰۲۱ از کاخ سفید بیرون رفت، پیشرفت عادی‌سازی در قالب توافق‌های ابراهیم متوقف شد. هر چند دولت بایدن با کمال میل این تلاش‌ها را پذیرفته بود،

بودند. هر چند دولت ترامپ بود که توافق‌های رسمی را عملی کرد، اما بنیان این عادی‌سازی بر اساس منافع ملی طرف‌ها، به‌ویژه امارات متحده عربی و اسرائیل بود. مثال امارات متحده عربی به‌خوبی می‌تواند انگیزه‌ها و دلالت‌های طرف عربی را نشان دهد. در راستای عادی‌سازی سه انگیزه برای اسرائیل می‌توان برشمرد: اسرائیل سالیان سال تلاش می‌کرد تا جهان را علیه ایران بسیج کند و عادی‌سازی روابط با حدودی با هدف منطقه‌ای‌سازی مناقشه بود و تلاش می‌کرد تا کشورهایی که رویکرد غیردوستانه‌ای با ایران داشتند با اسرائیل همسو تر شوند. انگیزه دوم این بود که توافق‌های عادی‌سازی می‌توانست تأثیری قاطع بر بحث‌های سیاست‌داخلی اسرائیل بگذارد و به این شبهه پاسخ دهد که استمرار سیاست‌های اسرائیل علیه فلسطینیان باعث انزوای بین‌المللی اسرائیل می‌شود. جناح راست اسرائیل، تحت رهبری بنیامین نتانیاها، با عادی‌سازی روابط با برخی از نزدیک‌ترین متحدان فلسطین، قصد داشت تا برای همیشه این بحث را جمع کند و خودش را از فرمول «زمین در برابر صلح» رها کند. برای سالیان دراز ایده «زمین در برابر صلح» رویکرد بین‌المللی برای صلح را تحت تأثیر خود قرار داده بود و این ذهنیت را تبلیغ می‌کرد که برای اینکه اسرائیل بتواند با کشورهای منطقه ارتباط برقرار کند، نخست باید مسئله فلسطین را حل کند. سومین انگیزه اسرائیل این بود که حمایت از فلسطین را در منطقه کاهش دهد. حمایت‌های منطقه‌ای نهنها به‌تاب آوری فلسطینیان کمک می‌کرد بلکه در محاسبات کشورهای غربی برای ترغیب اسرائیل به حل مسئله فلسطین برای رسیدن به صلح منطقه‌ای هم تأثیر داشتند.

برای امارات متحده عربی اما اصلی‌ترین انگیزه تهدید منطقه‌ای بود که در دوران پس از خیزش‌های بهار عربی احساس می‌کرد. منطق امارات این بود که نهنها بتوانند در منطقه‌ای روزبه‌روز شکستنده‌تر در میان جنگ‌های داخلی، خیزش‌های انقلابی، صفت‌بندی‌های متغیر ژئوپلیتیک و رقابت‌های رو به افزایش، خودش را نجات دهد، بلکه بتواند در شرایط تحول توازن قوای منطقه‌ای خود را بیش از پیش تقویت کند. به‌طور اخص دو تهدید اصلی باعث شد تا امارات برای روابط نزدیک‌تر با اسرائیل جزم‌تر شود: قدرت رو به افزایش و مداخله‌گری ایران بیرون از مرزهای خودش و همچنین گسترش خیزش‌های مردمی در منطقه که باعث می‌شد به دست آوردن فناوری‌های جدید جاسوسی برای این کشور از اهمیت ویژه‌ای برخوردار شود. این برداشت که ایالات متحده آمریکا در حال ترک منطقه است؛ احتمال از دست دادن ایالات متحده به‌عنوان اصلی‌ترین تضمین‌کننده امنیت منطقه باعث شد که نگرانی نسبت به فوریت این تهدیدها تشدید شود. قطعاً علاوه بر اینکه اسرائیل به‌عنوان یک شریک امنیتی و همچنین یک تامین‌کننده فناوری‌های سرکوب ارزشمند محسوب می‌شد، دولت‌های خلیج فارس رابطه نزدیک‌تر با اسرائیل را یک ابزار غیرمستقیم برای حفاظت از شرکاتشان با واکنشگن می‌دیدند. اگر بخواهیم ساده‌تر بگوییم، یکی از اصلی‌ترین عوامل تلاش

بر خلاف توافق‌های ابراهیم، آشتی با ایران هم مستقیماً منافع اساسی طرف‌ها را تامین می‌کرد و به طرف ثالث وابسته نبود و هم مستقیماً بین طرف‌های منازعه امضا می‌شد و به همین دلیل امکان پس‌زمینه منطقی قوی‌تری داشت



عمر رحمان

پژوهشگر اندیشکده شورای خاورمیانه در امور جهانی

وقتی امارات متحده عربی و بحرین سپتامبر ۲۰۲۰ توافق‌های موسوم به ابراهیم را در باغچه کاخ سفید امضا کردند و دو ساعت بعد همان سال، مراکش هم توافق عادی‌سازی روابط با اسرائیل را امضا کرد، این توافق‌ها به‌عنوان یک ابتکار تحول‌آفرین برای صلح از یاد شد که زمینه را برای ایجاد نظامی جدید در خاورمیانه پایه می‌گذارد اما در پی بیش از سه سال این توافق‌ها نتوانسته‌اند اثرگذاری مهمی در منطقه داشته باشند. از زمانی که دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور پیشین آمریکا در ژانویه ۲۰۲۱ کاخ سفید را ترک کرد، این فرآیند متوقف شده و هیچ توافق جدیدی زیر چتر توافق‌های ابراهیم امضا نشده است. سوازی تقویت روابط دوجانبه میان امضاکنندگان این توافق‌ها، مهم‌ترین اثری که از این موافقت‌نامه‌ها به دست آمد، این بود که بر احساس ناامیدی، یأس و به حاشیه رانده شدن آرمان فلسطینیان برای آزادی از اشغالگری ۵۶ساله، افزود. این استدلال را بسیار شنیده‌ایم که تلاش‌های هواداران پروژه عادی‌سازی برای کنار زدن فلسطینیان و به حاشیه راندن آرزی آنها برای حق تعیین سرنوشت، یکی از اصلی‌ترین عوامل در محاسبات حماس برای آغاز عملیات مرگبارش علیه اسرائیل در ۷ اکتبر ۲۰۲۳ بود؛ رویدادی که در مقابل مسیر وارد کردن عربستان سعودی به گروه کشورهای امضاکننده توافق‌های ابراهیم ایجاد مانع کرد.

هر چند بعید است که تحت شرایط ایجاد شده پس از حمله ۷ اکتبر پروژه عادی‌سازی جلوتر برود و ممکن است برای همیشه به محاق برود اما پیش از آن هم به دلیل پنج ضعف ذاتی در فرمول توافق‌ها، جذابیت عادی‌سازی اعراب با اسرائیل از بین رفته بود. این پنج ضعف ذاتی شامل فقدان جوهره اصلی، انکالی بیش از اندازه به ایالات متحده آمریکا، مخاطره غیر قابل تحمل تشدید تنش، عدم محبوبیت گسترده و قرار گرفتن بر بنیان ضعیف بود. در نتیجه کشورهای منطقه، از جمله امارات متحده عربی در جست‌وجوی توافق‌های عادی‌سازی جایگزین بودند که بتواند منطق و روایتی متضاد با توافق‌های ابراهیم داشته باشد اما در عین حال اثرگذاری بیشتر منطقه‌ای (و شاید جهانی) داشته باشد. بر خلاف توافق‌های ابراهیم، چنین توافق‌هایی در واقع ریشه خصومت‌ها را در نظر می‌گیرند و با هدف کاهش تنش‌های بی‌شمار خاورمیانه منتهی‌نشد.

### توافق‌های ابراهیم

توافق‌های دیپلماتیکی که سال ۲۰۲۰ بین اسرائیل و سه دولت عربی امضا شدند، نتیجه سه ساله روابط پشت پرده با این طرف‌ها

آنچه در این ستون می‌خوانید، دیدگاه‌های رسانه‌های خارجی است که صرفاً جهت اطلاع‌رسانی منتشر می‌شود و این دیدگاه‌ها موضع روزنامه «هم‌میهن» نیست.

LE FIGARO

## جزئیات جدید از برنامه‌ریزی عملیات طوفان الاقصی

روزنامه فرانسوی فیگارو در گزارشی نوشت، حماس برای حمله به اسرائیل از دو سال و نیم پیش در حال برنامه‌ریزی و تمرین بوده است. براساس گزارش خبرگزاری مهر و شبکه تلویزیونی العربیه، در گزارش این روزنامه فرانسوی تأکید شده که حملات و برنامه‌ریزی حماس با مشارکت و تصمیم خود فلسطینی‌ها بوده است و ایران و حزب‌الله لبنان از این حملات اطلاعی نداشته‌اند. براساس گزارش فیگارو «یحیی سننوار» و «محمد ضیف» از سه ماه پیش از آغاز حمله، کلیه ارتباطات و تماس‌های خود را با رهبری حماس در خارج قطع کرده بودند و براساس گفته‌های خالد مشعل به فیگارو، فقط سه نفر از روز و ساعت دقیق آغاز حمله و جزئیات طراحی شده باخبر بوده‌اند. تحقیقات روزنامه فرانسوی فیگارو می‌گوید که یحیی سننوار، رهبر داخلی گروه حماس و محمد ضیف، فرمانده شاخه نظامی آن، در طراحی عملیات حمله به اسرائیل که روز ۱۵ مهر عملی شد، تمامی رهبران حماس در خارج از غزه را بی‌خبر گذاشته بودند. در گزارش این روزنامه از یک منبع نزدیک به رهبر حماس در اردن نقل شده که طرح این عملیات به دو سال پیش باز می‌گردد. این منبع گفته: «این ایده را اولین بار در سال ۲۰۲۱ شنیدم.»

این گزارش حاکی است که یحیی سننوار و محمد ضیف تمامی فرماندهان ارشد حماس را مدت کوتاهی پیش از آغاز حمله به اسرائیل تغییر دادند تا اطلاعی از حمله در دست تدارک به آگاهی اسرائیل نرسد. فیگارو نوشت، یحیی سننوار و محمد ضیف از سه ماه پیش از آغاز حمله ارتباطات و تماس‌های خود را با رهبری حماس در خارج قطع کرده بودند. براساس این گزارش، یحیی سننوار تنها نیم ساعت پیش از آغاز حمله نیروهایش به خاک اسرائیل در ساعت ۶/۵ صبح روز ۱۵ مهر، به صالح العاروری، رهبر حماس در لبنان تلفن کرده و از او خواست نزد حسن نصرالله، دبیرکل حزب‌الله لبنان برود و او را آگاه کند. خالد مشعل، رئیس پیشین دفتر سیاسی حماس ساکن قطر به فیگارو گفت، تنها سه نفر از روز و ساعت دقیق آغاز حمله و جزئیات طراحی شده برای حمله آگاه بودند. به نوشته فیگارو، آن سه تن، یحیی سننوار، برادر او محمد سننوار و محمد ضیف بودند. لو فیگارو همچنین به نقل از اسامه حمدان از رهبران حماس که مقیم بیروت است نوشته او از طریق اخبار از حمله هفتم اکتبر آگاه شد. به گفته او تنها کسی که قبل از اجرای این عملیات مطلع بوده، صالح العاروری، جانشین رئیس دفتر سیاسی گروه حماس است که یحیی السننوار در یک تماس تلفنی از او خواست ۳۰ دقیقه پیش از عملیات، حسن نصرالله دبیرکل «حزب‌الله» را در جریان بگذارد. از سوی دیگر، عدنان ابوحنسنة، سخنگوی آن‌روا وابسته به سازمان ملل با ابراز نگرانی از ادامه جنگ و بمباران غزه اعلام کرد که با استناد به آمار وزارت بهداشت فلسطینی باید نتیجه گرفت که جنگ در غزه باعث شده که حداقل ۵ درصد از جمعیت نوار غزه کشته، زخمی یا مفقود شوند. ابوحنسنة همچنین افزود: «وضعیت انسانی پس از شیوع بیماری‌های مختلف به شدت بحرانی شده است و در وضعیت فعلی با فروپاشی نظام بهداشت و درمان غزه، بیماری‌های روده‌ای ۴ برابر، بیماری‌های مربوط به قفسه سینه ۵ برابر و بیماری‌های پوستی ۳ برابر شده است و این شرایط بسیار خطرناک است.» این روزنامه همچنین مدعی شده است: یحیی سننوار و محمد ضیف «از نصرالله به‌خاطر اینکه پس از حمله به جنوب اسرائیل از تمام قدرت نیروی حزب‌الله استفاده نکرده عصبانی شدند و پیامی با این مضمون فرستادند. طبق این گزارش، اسماعیل هنیه، رئیس دفتر سیاسی حماس برای ترغیب ایران به پیوستن جنگ به تهران رفت اما با درخواست او موافقت نشد.»